



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسین طباطبائی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳

جلسه صد و سوم؛ یکشنبه ۱۳۹۴/۲/۲۷

نظر مختار در ضمان نقود قسم دوم

قبل از بررسی حکم ضمان نقود قسم دوم، این نکته را تذکر دهیم که پول‌های اعتباری محض، مثلی هستند، لذا ضمان آن به مثل می‌باشد و اصلاً معنا ندارد که بگوییم «پول» قیمی است؛ زیرا «قیمی» چیزی است که ضمانش به قیمت باشد و مراد از قیمت هم نقد رایج است و اگر بگوییم ضمان نقد رایج به نقد رایج است یعنی همان ضمان به مثل است.

بنابراین پول مثلی است و مانند سایر مثلیات، ضمان آن به مثل است؛ زیرا خود پول بنفسه مورد رغبت قرار می‌گیرد و بما هو هو مطلوب است و آنچه که به عنوان پشتوانه‌ی پول مطرح می‌شود، حیثیت تعلیلی ارزش آن است نه حیثیت تقییدیه، لذا پول هم می‌تواند نرخ داشته باشد.

به هر حال طبق مختار ما که ضمان تمام اشیاء به مثل است إلا ما خرج بالدلیل، ضمان پول اعتباری محض نیز به مثل است و ضامن باید مثل را بپردازد. اما سؤالی در این جا مطرح می‌شود که [اگر رابطه‌ای بین پول و پشتوانه‌ی آن وجود ندارد] ارزش پول چگونه تعیین می‌شود؟

عرض می‌کنیم [اگر در جامعه‌ای دو یا چند پول رواج داشته باشد که مستقل از یکدیگر باشند و نسبت مساوی نداشته باشند، قیمت هر پول را می‌توان به نسبت سایر پول‌های رایج در آن جامعه تعیین کرد؛ مثلاً در گذشته ارزش هر درهم به طور متوسط یک دهم دینار بوده است].

اما اگر در جامعه‌ای فقط یک نوع پول رواج داشته باشد، دیگر نمی‌توان ارزش پول را با خودش معین کرد بلکه باید از روش‌های دیگری استفاده کرد از جمله به وسیله‌ی ارزش‌های خارجی، به وسیله‌ی تعیین

قدرت خرید عمومی پول و

به طور کلی، نرخ و ارزش پول همانند سایر کالاها مانند گندم، جو، پوشاک، طلا، نقره و ...، براساس برآیند عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. به تعبیر دیگر ارزش پول در بازار آزاد، تابعی از عرضه و تقاضا است به گونه‌ای که اگر عرضه‌ی پول را روی یک منحنی و تقاضای پول را روی منحنی دیگر رسم کنیم، نقطه‌ی تلاقی این دو منحنی، ارزش و قیمت پول است.

بنابراین با فرض ثبات مقدار تقاضا و ثبات سرعت گردش پول و برخی عوامل دیگر، هر مقدار که عرضه‌ی پول - که امروزه انحصاراً در اختیار دولت‌هاست - افزایش پیدا کند، به همان نسبت ارزش پول کاهش پیدا می‌کند و هر چه عرضه‌ی پول کاهش پیدا کند با فرض ثبات تقاضا، ارزش آن در بازار افزایش پیدا می‌کند.

هم‌چنین در صورتی که عرضه‌ی پول در گردش ثابت باشد، به هر میزان که تقاضای پول افزایش پیدا کند^۱، ارزش پول بالاتر می‌رود و هر چه تقاضای پول کمتر شود، ارزش آن مانند هر کالای دیگری کاهش پیدا می‌کند. البته به شرط این‌که عوامل دیگری که دخیل در تعیین ارزش پول است نیز ثابت باشد، از جمله سرعت گردش پول و شبه پول (اوراق قرضه، مشارکت ...) حالت روانی جامعه، میل به مصرف و

برای روشن شدن این مطلب، مثالی بیان می‌کنیم: اگر فرضاً امضای فلان شخص در نزد عده‌ای از مردم مطلوبیت داشته باشد و به هر دلیل عده‌ای از مردم، طالب داشتن نمونه امضای او باشند - مانند این‌که مردم رغبت به داشتن عکس همراه با افراد مورد علاقه‌ی خود دارند - اگر این فرد تعدادی امضاء در اختیار مردم بگذارد و افرادی که واجد نمونه امضای او هستند آن را به طرق مختلف - اعم از بیع، هبه و ... - در اختیار دیگران قرار دهند، چون تعداد این امضاها محدود است لذا به هر میزان که افراد طالب آن افزایش پیدا کند، قیمت آن هم در بازار افزایش پیدا می‌کند؛ مثلاً اگر قیمت اولیه‌ی آن صد هزار تومان باشد، بستگی به مقدار رغبت و تقاضای مردم قیمت آن افزایش پیدا می‌کند و فرضاً به دویست، سیصد و نهایتاً پانصد هزار تومان می‌رسد تا جایی که بیش از آن قیمت در نزد مردم مطلوبیت نداشته باشد. بنابراین با فرض ثبات مقدار عرضه، هر میزان که تقاضا افزایش پیدا کند ارزش و قیمت آن هم افزایش پیدا می‌کند. [هم‌چنین با فرض ثبات تقاضا، اگر تعدادی از این امضاها از بین برود و امضاء جدیدی جایگزین نشود، قیمت افزایش پیدا می‌کند].

عکس این مطلب هم صادق است؛ یعنی اگر تقاضا برای این امضاها کاهش پیدا کند مثلاً به خاطر این‌که

۱. افزایش تقاضای پول علل مختلفی دارد، از جمله این‌که برخی از مردم میل به داشتن نقدینگی بیشتری دارند و

محبوبیت آن فرد در نزد مردم کم شده یا به هر دلیل دیگر، کاهش تقاضا باعث افت قیمت آن امضاها می‌شود. هم‌چنین اگر تقاضا ثابت باشد اما عرضه افزایش پیدا کند مثلاً فرد امضاها را جدیدی در اختیار مردم بگذارد، به تناسب افزایش عرضه، قیمت آن کاهش پیدا می‌کند.

پس همان‌طور که امضاء - که یک شیء اعتباری محض است و ما بی‌ازاء خارجی آن ارزش ذاتی ندارد - به تناسب برخورد عرضه و تقاضا ارزش آن تعیین می‌شود، پول هم که اساس مبادله است چنین می‌باشد و به تناسب عرضه و تقاضا، قیمت آن مشخص می‌شود.

خلاصه‌ی آنچه که بیان کردیم این شد که پول اعتباری محض، خودش ارزش دارد و آنچه که به عنوان پشتوانه‌ی آن است - اعم از طلا و نقره، قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی و اجتماعی و ... - حیثیت تعلیلی ارزش آن می‌باشد - کما این‌که امضاء خودش ارزش دارد و محبوبیت امضاء کننده حیثیت تعلیلی ارزش آن است - و چون مقدار پول در جامعه زیاد است و در دسترس همه قرار دارد، لذا پول مثلی می‌باشد و طبق قاعده‌ی اولیه، ضمان آن به مثل است.

با توجه به این نکته می‌گوییم:

اگر نوسانات قیمت - چه افزایش و چه کاهش قیمت - **عادی** باشد، همان‌طور که قبلاً بیان کردیم به حسب ادله‌ی شرعی و نیز سیره‌ی عقلاء، نوسانات عادی قیمت مورد ضمان نیست و ضامن باید مثل را بپردازد.

اما اگر **تفاوت قیمت فاحش** باشد به گونه‌ای که عرف آن را اجحاف و ظلم به پرداخت کننده یا دریافت کننده بداند، قبلاً در مورد مثل‌های کالایی بیان کردیم که در صورت افت شدید، پرداخت مثل کافی نیست و در صورت افزایش شدید نیز ضامن ملزم به أداء مثل نمی‌باشد، اما در ما نحن فیه در مورد «پول» قبل از این‌که نوسانات قیمت به این مرحله برسد، اتفاقی می‌افتد که می‌توان ملتزم شد پرداخت نفس همان مقدار پول کافی نیست و آن در صورتی است که عرف بگوید این پول دیگر همان پول سابق نیست.

توضیح مطلب

اگر کسی مثلاً هزار تومان از دیگری تلف کند که ارزش آن فرضاً در زمان تلف مساوی یک دلار بوده و یا اگر متوسط قیمت کالاها را در نظر بگیریم، برابر ارزش یک واحد کالا بوده، اما الآن که می‌خواهد بعد از مدتی خسارت را أداء کند، قدرت خرید هزار تومان کاهش پیدا کرده و مثلاً یک دهم دلار شده است، در چنین مواردی اگر عرفاً - نه عقلاً - صادق باشد که این پول دیگر مثل همان پول نیست، ضامن نمی‌تواند

مثل را پرداخت کند و در صورت پرداخت نیز بریء الذمه نمی‌شود؛ چراکه مثلثیت در ما نحن فیہ فقط به صدق اسم نیست - و حتی در بعض کالاها هم مطمئن نیستیم که صدق اسم کافی در مثلثیت باشد - بلکه باید خصوصیات چیزی که عنوان بر آن منطبق است محفوظ بماند.

به تعبیر دیگر همان‌طور که در تعریف مثلی بیان کردیم، ظاهراً مشهور خصوصیات مصنّفه را در صدق مثل دخیل می‌دانند، پس هر چند پول قبل از کاهش شدید قیمت با پول بعد از کاهش قیمت اسماً یکی است، اما عرف آن دو را حداقل از یک صنف نمی‌داند - چه رسد به این‌که از یک نوع نداند - مانند این‌که کسی گندم جید دیگری را تلف کند و بخواهد به همان مقدار از گندم ردیء به او بدهد که عرف این دو را از لحاظ صنف مختلف می‌داند.

پس هر جا که نوسانات ارزش پول به گونه‌ای باشد که عرف پول امروز را هم صنف با پول قدیم نداند، در این فرض در صورت افت شدید قیمت، ضامن نمی‌تواند به پرداخت مثل اکتفاء کند بلکه ما به التفاوت را باید با نقد روز جبران کند، هم‌چنین در صورتی که ارزش پول افزایش شدیدی پیدا کند، ضامن ملزم به ردّ مثل نیست و مضمون‌له هم حق الزام ضامن به نقد روز را ندارد.

بنابراین صورت نوسانات شدید قیمت، به منزله‌ی فرض تعذر مثل است، لذا اگر در جامعه‌ای دو نقد رایج باشد که یکی این مشکلات را نداشته باشد، باید ضامن با نقد دوم بدهکاری خود را بدهد و اگر یک نقد وجود داشته باشد، در این صورت ضامن باید ارزش و قدرت خرید نقد سابق را با همان خصوصیتی که داشت ارزیابی کند و آن را به پول امروز بپردازد.

این مطلب را هم تذکر دهیم که کسی توهم نکند اگر تغییر قیمت پول به خاطر افزایش عرضه‌ی آن توسط دولت باشد، حکمش متفاوت با صورتی است که به خاطر کاهش تقاضا باشد؛ زیرا همان‌طور که توضیح دادیم تغییر ارزش پول یا ناشی از عرضه‌ی بیش از حدّ پول یا سرعت گردش پول و شبه پول است و یا ناشی از تغییر تقاضای پول است و یا ناشی از هر دو، و این جهت باعث تفاوت در حکم ضمان نمی‌شود؛ چه در نوسانات عادی قیمت و چه در نوسانات شدید و غیر عادی قیمت.^۱

والحمد لله رب العالمین

۱. اگر عرف توجه به بعض نکات داشته باشد از جمله این‌که هر چه حجم اسکناس در گردش افزایش پیدا کند، قدرت خرید پول کاهش پیدا می‌کند و این‌که این واقعه اتفاق افتاده است - و نیز بعض نکات دیگر - در این صورت عرف زودتر می‌فهمد که پول بعد از نوسانات [شدید] قیمت، هم صنف با پول قبل از نوسان نیست. و اگر در موردی شک داشتیم، مرجع اصول عملیه است.